

حق دادرسی منصفانه با تأکید بر حقوق دفاعی متهم



عمار پرتوی، کارشناس ارشد حقوق عمومی

چکیده

مسئله‌ای که در بسیاری از اسناد بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته، دادرسی منصفانه است. اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی و نیز قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به این نکته اشاره نموده است. حق دادرسی منصفانه در تمام مراحل دادرسی جریان پیدا می‌کند. اهمیت دادرسی منصفانه از این جهت بیشتر است که ضمانت اجرای سایر حقوق نیز می‌باشد. ممکن است بسیاری از حقوق را برای افراد به رسمیت بشناسیم، ولی اگر چارچوبی نباشد که در آن افراد بتوانند از حقوق خود دفاع کنند، بود یا نبود حقوق، دیگر تفاوتی ندارد. حرکت به سمت یک جامعه عدالت محور مستلزم برخورداری از حق دادرسی منصفانه است. حقوقی که برای افراد مختلف در قوانین شناخته شده، در صورتی می‌تواند برای صاحبان آن ارزشمند باشد که حقوق و ضمانت اجرای آن از طریق یک دادرسی منصفانه تضمین شده باشد. دادرسی منصفانه ایده حقوق بشری است و همه ملاحظات آن که در دین و حقوق بشر اسلامی جاری است، ممکن است در این حوزه نیز جریان یابد. بررسی جایگاه دادرسی منصفانه، ضرورت، اهمیت، اصول، آیین و سازوکارهای آن در پرتو حقوق بشر، اسناد داخلی و بین‌المللی از موضوعاتی است که در این تحقیق به آن می‌پردازیم. تاریخ، جامعه‌ای را نشان ندارد که دیرزمانی فارغ از دغدغه‌ها و معضلات امنیتی روزگار سپری کرده باشد. نیاز به امنیت پس از نیازهای فیزیولوژیک مهم‌ترین نیاز بشر محسوب می‌شود. امنیت و میزان آن برای تمام نظام‌های سیاسی شهروندان، صرف‌نظر از سطوح توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و خطمشی، از مهم‌ترین مسائل به شمار می‌آید.

واژگان کلیدی: دادرسی، حق دادرسی منصفانه، حقوق بشر



درآمد

ضروری‌ترین و اصلی‌ترین تضمین برای افراد در جهت حمایت از حقوق اساسی آنها؛ از جمله حق حیات، آزادی، کرامت انسانی و بهره‌مندی از سایر حقوق، حق «دادرسی منصفانه» است. دادرسی منصفانه را می‌توان ناظر به عدالت شکلی در فرآیند قضایی تلقی نمود. بر اساس قراردادهای معاضدت قضایی، عدالت و حق دادرسی منصفانه به معنای رسیدگی و اتخاذ تصمیمات قضایی در میان طرفین دعوا در دادگاه قانونی، صالح و مستقل با رعایت اصول و آیین از پیش تعیین شده است. دادرسی منصفانه در واقع تضمین حقوق افراد در مقابل قدرت است که اصول ۳۲ و ۳۴ الی ۳۹ قانون اساسی ایران نیز به آن اشاره نموده است. اگر بپذیریم که دو رکن عدالت و برابری از مبانی و پایه‌های اصلی دین مبین اسلام هستند، پس می‌توان نتیجه گرفت همین دو رکن می‌تواند زمینه‌ساز برخورداری انسان‌ها از مقوله دادرسی منصفانه باشد. عدالت یکی از پایه‌های اساسی اسلام است. بنا بر دستورات صریح اسلام با هیچ احدی نمی‌توان برخلاف آنچه عدالت و شئون انسانیت نامیده می‌شود رفتار نمود و بر آن شخص ظلم روا داشت و لازم است سه موضوع «عدالت»، «حق» و «انصاف» را در هر قضاوت مدنظر قرارداد. عدالت اجتماعی، قضاوت، حکومت و حکمیت همچنین اصول دادرسی از دستورات صریح اسلام است. بر همین مبنا، تظلم خواهی در اسلام مورد تأکید قرار گرفته است و رعایت عدالت و بی‌طرفی در قضاوت میان مردم لازم است (تابنده، ۱۳۸۰: ۱۷۷). یکی

دیگر از اصول نظری دادرسی منصفانه موضوع «حقوق فطری» است. از دیدگاه قرآن «فطرت» دارای سه ویژگی است: نخست، خداجو و خدانشناس است؛ دوم، در همه آدمیان به ودیعه نهاده شده است و سوم، از گزند هرگونه تغییر و تبدیل در امان است (آیه ۳۰ از سوره مبارکه روم). با این توضیح که حقوق فطری در برابر حقوق موضوعه قرار می‌گیرد؛ ذوالقرنین^(۱)، رواقیون، ژوستین، منشور کبیر انگلیس،^(۲) توماس آکمپیس نویسنده کتاب تشبه به مسیح،^(۳) جانلاک، منتسکیو، توماس پین، کارتین دانشمند آلمانی، فرانسوا ژنی، ژرژ دل وکیو و کلودو پاکیه از طرفداران حقوق فطری هستند. در نظر اندیشمندان معاصر اسلام نیز استاد مطهری در یادداشت حقوق فطری با استفاده از اصل غایت بیان می‌کند که اسلام به این نوع از حقوق قائل بوده، با قبول عدل ذاتی به حقوق فطری اعتراف کرده است و جز با اصل غایت نمی‌توان برای حقوق پایه درست کرد. علامه جعفری نیز در مورد حقوق فطری می‌نویسد: بدان جهت که مبنای ادیان الهی نائل ساختن نفوس انسانی به رشد و کمال در زمینه فطرت پاک اوست، لذا خداوند سبحان اصول اولیه این حقوق فطری را به وسیله ادیان به همه مردم ابلاغ نموده است. ایشان در واقع برای حقوق طبیعی پنج اصل حق حیات، حق کرامت، حق تعلیم و تربیت، حق آزادی مسئولانه و حق مساوات قائل شده‌اند. در انواع دادرسی است که می‌توان مفهوم دادرسی را عینیت بخشید و این موضوع را تا آنجا می‌توان درک کرد که عدالت با اصول حاکم بر دادرسی منصفانه عجین گردیده و جزئی از صفات آن شده است.

عدالت با مصادیق خود عینیت می‌یابد. اصول دادرسی؛ از جمله اصل برائت، تظلم خواهی، دسترسی به داور بی‌طرف و رعایت مساوات میان طرفین اختلاف، از جمله اصولی است که عدالت وجود آنها را اقتضا می‌کند (جوادی آملی، پیشین: ۱۹۹). کلیه روابط اجتماعی از جمله وضع قوانین باید بر عدالت مبتنی باشد (دری نجف‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۱۷) عدالتی که در اسناد حقوق بشری از آن یاد می‌شود، عدالت به معنای تساوی و برابری است؛ عدالتی که در حقوق اسلامی از آن یاد می‌شود، عدالت به معنای تناسب و توازن است. اسلام منادی برابری انسان‌ها در ماهیت انسانی است؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ بَثَّ مِنْهُمَا أِیْ مَرَدَمًا! از پروردگارتان که شما را از یک تن آفرید و همسر او را از او آفرید، بترسید» (النساء/۱)؛ همه انسان‌ها در ماهیت انسانی اشتراک دارند و این برابری در انسانیت و لوازم آن می‌باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۱۸۳)؛ همچنین میان انسان‌ها نباید هیچ تبعیض ناروا و ظالمانه‌ای وجود داشته باشد. در طول تاریخ و دوران شرک، اسلام رفتار ظالمانه و تبعیض‌آمیز با زنان را به شدت نکوهش کرد (مصباح یزدی، همان: ۱۸۳) به فراخور این رویکرد، انسان‌ها در مقابل قوانین برابر بوده و در شرایط برابر، از حقوق و تکالیف مشترک برخوردارند. همین برابری اقتضا می‌کند انسان‌ها صرف‌نظر از جنسیت، نژاد، قومیت و مذهب امکان دستیابی به لوازم دادرسی منصفانه را داشته باشند. رسول خدا صلی‌الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:



«الناس كلهم سواء كاسنان المشط؛ انسان‌ها همانند دانه‌های شانه با یکدیگر برابرند». «نمونه بارز این برابری، برابری افراد در مقابل قانون است و امتیاز انسان‌ها در سایه تقوی نزد خدا معنا می‌یابد» (دری نجف‌آبادی، همان: ۱۱۸). یکی از مسائل بنیادین برای حاکمیت قانون، عدالت و حقوق بشر، بحث «دادرسی منصفانه» است؛ زیرا عدالت حق است و نباید برخلاف آن عمل کرد. هرگاه چنین عملی رخ دهد، بی‌عدالتی، بی‌دادگری و نادیده گرفتن حقوق شهروندی به وجود می‌آید. عدالت با مفهوم احترام به حقوق رابطه تنگاتنگی دارد. در حقیقت عدالت رفتار مطابق قانون است و به تبع آن بی‌عدالتی رفتار مخالف قانون و نقض حقوق بشر است. «دادرسی منصفانه» محاکمه شخص در پرتو قانون و با در نظر داشتن احترام به حقوق شهروندی و زمینه‌ای برای ترویج حاکمیت قانون است. این حقوق توسط هنجارهای ملی و بین‌المللی در غالب بعضی اصول، نظام‌مند شده‌اند. «در دهه‌های اخیر که طرح مباحث حقوق بشر و لزوم رعایت آن بر تمام شاخه‌های حقوق؛ از جمله آیین دادرسی کیفری سایه افکننده، شاهد آن هستیم که نظام‌های حقوقی با فرار از چنگال سیستم تفتیشی، به‌سوی سیستم اتهامی گام برمی‌دارند و تمام تلاش خود را می‌کنند تا حقوق و آزادی‌های فردی در کلیه مراحل رسیدگی مراعات شود. به‌طور خلاصه می‌توان گفت دادرسی، زمانی عادلانه است که بتواند به حفظ توازن میان مصالح جامعه و متهم بپردازد و متهم در شرایطی کاملاً

آزاد و درحالی‌که از تضمین‌های لازم برای دفاع از خود برخوردار است، مورد محاکمه واقع شود» (صابر، ۱۳۸۸: ۱۴۵). «ادیان الهی به خصوص دین مبین اسلام، در ادوار تاریخ، پرچم‌دار الزاماتی؛ همچون اصل قانونی بودن جرم و مجازات (قبح عقاب بلا بیان)، اصل اباحه، اصل مساوات، اصل علنی بودن دادرسی، اصل برائت و اصل تفسیر به نفع صاحب حق بوده‌اند و این موضوع در حالی اشاره می‌گردد که حق دادرسی منصفانه به‌عنوان یکی از مصادیق حقوق بشر و حقوق شهروندی در کمتر از دو قرن پیش به قوانین موضوعه و اسناد جهانی راه پیدا نموده است» (حسینی، ۱۳۹۳: ۴). اسنادی از قبیل اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ م در مواد ۸ و ۱۱ و اعلامیه حقوق بشر اسلامی مصوب ۱۹۹۰ م در بند «ه» ماده ۹ به اصل برائت پرداخته است. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ م در ماده ۱۴، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب ۱۹۵۰ م در ماده ۶ و کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مصوب ۱۹۶۹ م در مواد ۸ و ۹، حق دادرسی منصفانه را به‌عنوان یک حق مورد شناسایی قرار داده و دولت‌ها را مکلف به اجرا و تضمین این حق برای تمام افراد جامعه نموده است. بر این اساس، محور و مبنا متحدالشکل نمودن آیین دادرسی در حوزه‌های مختلف می‌باشد.

۱- حق دادرسی منصفانه با تأکید بر حقوق دفاعی متهم

تحقق دادرسی منصفانه مستلزم رعایت برخی تشریفات خاص است، برای اینکه دادرسی منصفانه تلقی شود، لازم است

اصول متضمن رعایت حقوق دفاعی متهم از یک‌سو و اصول متضمن رعایت حقوق دفاعی شاکی از سوی دیگر رعایت شود. رعایت حقوق دفاعی متهم رکن اصلی دادرسی منصفانه می‌باشد. به‌طور مختصر می‌توان گفت منظور از دادرسی منصفانه برقراری تعادل و توازن بین اقتدار و اختیار دولت از یک‌طرف و موقعیت و شرایط متهم از سوی دیگر در دادرسی کیفری می‌باشد. مقصود از دادرسی منصفانه محاکمه بر مبنای عدالت است. حق برخورداری از دادرسی منصفانه به‌عنوان یک هنجار بین‌المللی حقوق بشر برای حمایت از افراد آزاد و حق آزادی آنها شناخته می‌شود. دادرسی منصفانه ابتدا در جوامعی مطرح شد که در آنها سیستم اتهامی مورد قبول و عمل قرار گرفته است؛ چون در سیستم تفتیشی افراد برای مدت طولانی در بازداشت نگه داشته می‌شدند، بدون آنکه از اتهام خود آگاهی داشته باشند و متهمان وادار به اقرار می‌شدند. از این‌رو می‌توان گفت مفهوم دادرسی عادلانه از قرن ۱۳ و ۱۴ م در انگلستان مطرح شد و آمریکاییان آن را اخذ و وارد منشور همه ایالت‌های خود نمودند. یکی از اجزای نظام دادرسی منصفانه قبول فرض برائت یا بی‌گناهی به‌جای فرض مجرمیت^(۴) است و چنانکه برخی گفته‌اند فرض برائت برای متهم به‌عنوان یک حق تلقی نمی‌شود بلکه باید آن را نوعی امتیاز دانست. در سایه اصل برائت، نه‌تنها مدعی باید دلیل بزه‌کاری را ارائه کند و به‌عبارت دیگر نه‌تنها شخص بی‌گناه تلقی می‌شود، بلکه تکلیف اثبات گناهکاری نیز بر عهده مدعی قرار می‌گیرد (رحمدل، ۱۳۸۵: ۱۱۰).



در نظر گرفتن و رعایت حقوق دفاعی متهم را می‌توان رکن اصلی دادرسی منصفانه نام برد. هر انسان فارغ از رنگ، نژاد، مذهب و عقیده سیاسی می‌تواند در فرآیند یک دادرسی منصفانه از تضمینات عام و لازم برخوردار گردد. این اهمیت در دنیای کنونی که کشورها با ابزار حقوق بشر تحت نظر و زیر ذره‌بین قرار دارند، بیش‌ازپیش آشکار شده است. از این رو همه دولت‌ها تا حد توان می‌کوشند که به لحاظ شکلی و ماهوی به ایجاد ابزارهای لازم برای تحقق دادرسی عادلانه دست یابند تا از زیر فشار افکار عمومی جهانی و مردمی رهایی یابند.

۲- مفهوم شناسی حق دادرسی منصفانه یا عادلانه

دادرسی، مرکب از دو کلمه «داد» و «رسی» است که نخستین بخش آن به معنای عدل و انصاف و دومی به معنای رسیدن و رسیدگی کردن است. در مورد دادرسی منصفانه یا عادلانه تعاریف متعددی ارائه شده است. بر طبق یکی از تعاریف ارائه شده، «دادرسی منصفانه، مجموعه اصول و معیارهایی است که رعایت آن از سوی هر دادگاه و هر مرجع صادرکننده رأی، لازم است تا از این رهگذر، حقوق و آزادی اشخاص تضمین شود» (هداوند، آقائی طوق، ۱۳۸۹: ۱۹). گفته شده است که حق دادرسی منصفانه، مشتمل بر مجموعه اصول و قواعدی است که نحوه رفتار با یک فرد را در برابر دادگاه مشخص نموده، از آن رو در ارزیابی کم و کیف رعایت حقوق افراد در دستگاه قضایی کشورها کمک‌رسان می‌باشد (اشرافی، ۱۳۹۰: ۱۷)؛ «لیکن در ادبیات قضایی و لسان

حقوقی، «دادرسی منصفانه» به معنای دارا بودن وصف بی‌طرفی و درستی، هدفمندی تعقیب، پرهیز از جانب‌داری و نفع شخصی و رعایت برابری میان طرفین دعوا به کاربرده شده است (فضائی، ۱۳۸۷: ۵۰).

۲-۱- پیشینه دادرسی منصفانه

قانون حمورابی از جمله قوانین حمایت افراد در برابر مجازات خودسرانه می‌باشد. در دوران یونان و رم اعدام افراد بدون محکومیت و مجازات خلاف عدالت بوده است. ادیان مختلف یهود و مسیحیت نیز بر دادرسی منصفانه تأکید داشته‌اند. در ادامه همین مطلب باید گفت؛ اسلام همواره فریاد برپایی قسط و عدل، احقاق حق مظلوم، استقرار صلح، آرامش و داوری متفاوت عادلانه را سر داده است. مهم‌ترین اصول دادرسی منصفانه مشتمل بر استقلال و بی‌طرفی قاضی، نظارت بر حسن انجام دادرسی، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها (قبح عقاب بلا بیان)، اصل اباحه، اصل مساوات، اصل علنی بودن دادرسی، اصل برائت، اصل تفسیر به نفع صاحب حق و... از شریعت قابل استنباط است.

۳- اصول دادرسی منصفانه در مرحله پیش از محاکمه

«این مرحله از حیث جمع‌آوری ادله اثبات جرم با توجه به عدم انقضای مدت‌زمان طولانی از زمان وقوع جرم، اهمیت بسیار دارد. با این‌وجود سرعت در انجام تحقیقات باید به‌عنوان یک اصل حاکم بر تحقیقات به شمار آید به‌طوری‌که دقت مقام تحقیق و حقوق دفاعی متهم، تأمین و تضمین شود» (خالقی، ۱۳۹۰: ۱۳۶).

گفته شده است که: «تحقیقات مقدماتی مرحله‌ای است که در آن یک نفر قاضی که او را مستنطق، بازپرس یا قاضی تحقیق می‌گویند، وارد عمل می‌شود و سه دسته عمل قضایی به شرح زیر، انجام می‌دهد:

الف) جمع‌آوری دلایل له و علیه متهم؛
ب) جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم؛

ج) اظهارنظر در خصوص مجرمانه بودن عمل انتسابی و وجود یا فقدان دلایل کافی علیه متهم» (افراسیابی، بابایی، ۱۳۸۹: ۴۰).

در این مرحله، ماهیت اقدامات پلیس به نحوی است که برخورداری از اختیارات قانونی و آزادی عمل برای انجام مأموریت‌های محوله را اجتناب‌ناپذیر ساخته است. از این رو، اعطای اختیارات گسترده به پلیس از یک‌سو و رؤیت ناپذیر بودن بسیاری از اقدامات پلیس به‌ویژه در جرایم شدید و سنگین، این نهاد را در معرض خطر سوءاستفاده از قدرت، قرار خواهد داد (فرجی‌ها، مقدسی، ۱۳۷۸: ۱۱۴).

۳-۱- آزادی

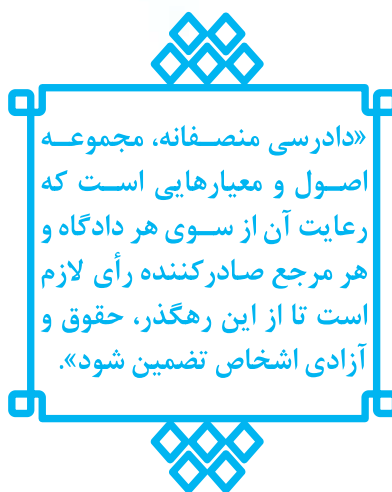
«انسان، آزاد به دنیا آمده و حق دارد که از آزادی خود به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ضرورت‌های یک زندگی باکرامت، بهره‌مند شود» (بهمنی قاجار، ۱۳۸۷: ۱۶۷). «آزادی، حالتی در انسان است که به‌موجب آن، شخص می‌تواند حسب اراده خود، رفتار کند» (لنگرودی، همان: ۳۰). از میان قرارهای تأمینی، قرار بازداشت موقت از آنجاکه موجب سلب آزادی و خلاف اصل برائت و امنیت شخصی متهم می‌باشد، به شدت موردانتقاد حقوقدانان قرار گرفته است.

با این وجود دفاع از حقوق جامعه و بزه دیدگان و ضرورت کشف جرم، قانون گذار را بر آن داشته است که صدور این قرار را تحت شرایطی اجازه دهد. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در صدد رفع ابهامات در زمینه برخورداری افراد از آزادی و امنیت شخصی برآمده و با ملغی نمودن کلیه قرارهای بازداشت اجباری در قوانین خاص به جز قوانین مربوط به جرایم نیروهای مسلح، بر حفظ هر چه بیشتر حق آزادی و امنیت متهم کوشیده است. آزادی های شخصی از این رو دارای اهمیت است که کلیه آزادی ها در پرتو آن معنا می یابند و هرگونه تعرض و سلب می تواند آن انسان را از سایر حقوق محروم نماید (قاضی، ۱۳۷۵: ۶۵۵).

۳-۲- حق برخورداری از زمان کافی برای تهیه دفاعیه

حق دفاع متهم به سلطه غیرقابل انفکاک با شخصیت هر فرد جامعه گفته می شود که از طریق نظام حقوقی هر کشور به رسمیت شناخته شده و مورد حمایت قرار گرفته است و بر اساس آن، شخص می تواند رفتار مجرمانه منتسب به خود را رد یا قبول نماید. حق برخورداری از فرصت و امکانات کافی برای دفاع از بی گناهی، یکی از جنبه های اساسی اصل برابری سلاح است. دفاع از بی گناهی و اثبات اتهام باید به عنوان دو کفه ترازو در نظر گرفته شوند و برای هر دو فرصتی برابر در جریان دادرسی در نظر گرفته شود (شریفی، ۱۳۸۶: ۴۴). در واقع باید نوعی موازنه میان حق برخورداری متهم از زمان کافی از یک سو و محاکمه از سوی دیگر به وجود آید.

در این میان، تصمیم گیری می تواند دشوار باشد. در آخرین حق نه تنها نسبت به اشخاص متهم بلکه نسبت به وکلای مدافع آنان نیز اعمال می شود و مربوط به همه مراحل دادرسی است (فضائی، همان: ۴۳).



۳-۳- حق دارا بودن وکیل

«امروزه یکی از مهم ترین اجزای فنی دفاع متهم و تضمین های دادرسی منصفانه در موازین بین المللی حقوق بشر، حق بهره مندی از وکیل^(۵) یا مشاور حقوقی است. حق مزبور به عنوان یکی از موازین حقوق بشر در فرآیند قضایی، مورد احترام است، ولی به علل مختلف یکی از مهم ترین مراحل که فرآیند قضایی شناسایی و اجرای حق مزبور اهمیت فوق العاده ای پیدا می کند، مرحله تحقیقات مقدماتی می باشد که سنگ بنای اولیه پرونده اتهامی گذاشته می شود» (ضیائی فر، ۱۳۸۶: ۲۰). حق داشتن وکیل از تضمینات شاخص در امور دفاعی متهم در روند دادرسی منصفانه می باشد و همه افراد در تمام امور مربوط به دادرسی از آن بهره مند می باشند (ارسطو، ۱۳۷۹: ۲). این حق از نظر فلسفی بر آموزه های عدالت طبیعی

و از حیث جرم شناسی^(۶) بر آموزه های جرم شناسی بازپرورانه استوار است. از این رو متهمان در پرتو آموزه های فلسفی، برای بهره مندی از دادرسی منصفانه باید بتوانند در همه مراحل فرآیند کیفری، وکیل داشته باشند. بر اساس آموزه های جرم شناختی، حضور وکیل در کنار متهمان به منزله یکی از ابزارهای عدالت کیفری، سبب آموزش هنجارهای قانونی ارزش های اجتماعی به بزه کاران و در نتیجه، اصلاح و تربیت آنان می شود (نیاز پور، ۱۳۸۶: ۵۹). قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با تأثیرپذیری از الگوی جهانی دادرسی منصفانه که جزء جدایی ناپذیر اسناد بین المللی حقوق بشر به ویژه میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ است، تحولات فراوانی را در مورد حمایت از متهم پیش بینی نموده است. در لایحه تهیه شده از سوی قوه قضاییه، طبق ماده ۲۳-۱۲۳ قانون آیین دادرسی کیفری بازپرس مکلف به اعلام حق داشتن وکیل شده و به موجب تبصره همان ماده، سلب حق تعیین وکیل یا عدم تفهیم این حق، موجب بطلان تحقیقات است (مؤمن زادگان، ۱۳۸۵: ۳۱۲). در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بر اساس ماده ۱۹۰: «متهم می تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود...». بر اساس تبصره یک ماده یاد شده نیز «سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم موجب بی اعتباری تحقیقات می شود».



۴- اصول دادرسی منصفانه در مرحله محاکمه و پس از آن

اسناد بین‌المللی بسیاری حق بر محاکمه منصفانه را مورد تأکید قرار داده است و دولت‌ها متعهد به تضمین آن برای متهمین شده‌اند و در رأس همه این اسناد اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌باشد که هرچند به دلیل برخورداری از ماهیت قطعنامه‌ای لازم‌الاجرا نیست، اما به دلیل پذیرش عام مفاد آن در مجموع و پذیرش خاص مفهوم حق مذکور در معاهدات و رویه قضایی بین‌المللی بعدی، در این مورد به صورت قاعده‌ای عرفی و لازم‌الاجرا شناخته می‌شود.

۴-۱- تفهیم اتهام

اصل ۳۲ قانون اساسی با تأکید بر حق «تفهیم اتهام» برای متهمین بیان می‌نماید: «هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله به صورت کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالح قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود». قانون آیین دادرسی کیفری نیز در مقام اجرا در ماده ۵ خود مقام قضایی را مکلف کرده پس از استعلام هویت متهم، موضوع اتهام و دلایل آن را به صورت صریح به وی تفهیم کند. تفهیم اتهام در اصطلاح عبارت است از اعلام رسمی^(۷) عمل یا اعمال مجرمانه به متهم از سوی قاضی تحقیق به زبان و شیوه‌ای که با توجه به وضعیت خاص هر متهم برای او قابل درک باشد. تفهیم اتهام به علت

آگاهی و اطلاع یافتن متهم احضار یا جلب شده از اتهام مطروحه علیه خود است که به عنوان یک فرد انسانی بداند به چه منظور جهت تحقیق حاضر شده است تا بتواند از خود دفاع نمایند.



اصل ۳۲ قانون اساسی با تأکید بر حق «تفهیم اتهام» برای متهمین بیان می‌نماید: «هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله به صورت کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالح قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود».



۴-۲- حق محاکمه در دادگاه صلاحیت‌دار، مستقل و بی‌طرف

استقلال^(۸) و بی‌طرفی دادگاه دارای دو وجه اساسی است؛ یکی استقلال و عدم وابستگی به دیگر قوای حاکم و دیگری عدم وابستگی به اطراف دعوی. دادگاه مستقل و بی‌طرف از چنان ثبات و صلابتی برخوردار است که دور از هر نوع محدودیت، توصیه، مداخله و فشار مستقیم یا غیرمستقیم تصمیمات خود را صرفاً بر واقعیات موجود در پرونده و مقررات قانونی حاکم بر آن واقعیات استوار می‌سازد. کمیسیون اروپایی حقوق بشر بر این نکته تأکید تمام کرده که ضرورت استقلال دادگاه مستلزم نصب مادام‌العمر قضات و عدم امکان

انتقال آنان از محاکم محل خدمت نیست. «آنچه اهمیت دارد دور بودن دادگاه از هرگونه نفوذ می‌باشد. اصلی‌ترین تضمین یک دادرسی منصفانه، رسیدگی در دادگاه مستقل، بی‌طرف و صالح می‌باشد که به موجب قانون تشکیل شده است. این حق به حدی مهم است که از نظر کمیته حقوق بشر در یکی از آرای خود: «دسترسی به دادگاه مستقل، بی‌طرف و صالح یک حق مطلق است و هیچ استثنایی را نمی‌توان بر آن تحمیل کرد» (مغانجوقی، ۱۳۸۲: ۸۸).

۴-۳- حق برابری در برابر قانون، حق تساوی در برابر دادگاه^(۹)

«برابری بدین معناست که شهروند فارغ از ویژگی‌های فردی خود؛ مانند نژاد، جنسیت، مذهب یا طبقه اجتماعی، تحت سیطره نظام حقوقی واحدی قرار گیرد. به عبارت دیگر به موجب این تعریف ساده، در شرایط مشابه، شهروندان از حقوق و تکالیف یکسانی برخوردار می‌شوند» (ویژه، ۱۳۸۳: ۲۱۷). این حق به گفته هگل یک معنای دیالکتیکی^(۱۰) است؛ ذات آن ترکیبی از نفی و اثبات است. از یک سو خواست و آرمان ما پذیرش اصل برابری است و از سوی دیگر اقدام به اجرای آن عملاً ما را به وادی نابرابری می‌کشاند. «اصل برابری باید در تمام مراحل پیش از محاکمه و در حین آن، تضمین شود. این تضمین به صورتی خواهد بود که هر فرد مظنون یا متهم حق دارد هنگام بازجویی‌ها یا محاکمه یا به کارگیری قانون درباره او مورد تبعیض واقع نشود» (اشرافی، ۱۳۹۰: ۲۱). اجرای عدالت به عنوان هدف نهایی دادرسی کیفری، مستلزم برخورد برابر قانون و دادگاه‌ها در مقابل اصحاب

دعواست، به‌ویژه قاضی دادگاه به‌عنوان مجری اصلی در مقابل قانون باید نهایت بی‌طرفی را در طول تحقیقات دادرسی نسبت به طرفین دعوی و دفاع، اعمال کند؛ به‌گونه‌ای که ناظران جلسات دادرسی، هیچ‌گونه شائبه طرفداری قاضی از یکی از اصحاب دعوی را ملاحظه نکنند (مؤمن زادگان، بی‌تا: ۳۱).

۴-۴- حق رسیدگی علنی

حق بررسی دادرسی علنی در قوانین ایران نیز مورد توجه قرار گرفته، به طوری که مطابق اصل ۱۶۸ قانون اساسی: «محاكمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد». «علنی بودن دادرسی، زیرمجموعه مفهوم «شفافیت»،^(۱۱) قرار می‌گیرد که در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی، مورد توجه قرار گرفته و در صورت عدم رعایت این اصل، دادرسی منصفانه از روند خود خارج می‌شود و همچنین حق علنی بودن دادرسی نه مطلق بلکه نسبی بوده است» (خولیا، ۱۳۹۱: ۹۲). علنی بودن دادرسی می‌تواند ضامن معتبری بر حقوق و آزادی‌های متهم و مانعی فراروی قانون‌گریزی‌های مقامات رسیدگی‌کننده به شمار آید.

۴-۵- حق سکوت^(۱۲)

حق سکوت متهم از زمره حقوق دفاعی متهم است و عبارت از امتناع و خودداری متهم از پاسخ به سؤالات ضابطین دادگستری و مقام قضایی در مورد اتهام مطروحه علیه اوست. عدم اعلام حق سکوت به متهم ممکن است متهمینی

را که از این حق آگاهی ندارند، ناچار به ذکر مطالبی علیه خود نماید و حقوق متهم را به شدت در معرض تعرض و تضییع توسط ضابطین دادگستری قرار دهد (رجبی، ۱۳۸۷: ۱۱۰). «اکثر نظام‌های دادرسی کیفری پذیرفته‌اند که متهم حق دارد آزادانه از قدرت خود برای پاسخگویی یا امتناع از آن استفاده کند. به دیگر سخن قوانین کشورها نیز یا مقررات صریحی در این باره پیش‌بینی کرده‌اند یا رویه قضایی به تدریج چنین حقی را برای متهم تثبیت نموده است» (اردبیلی، ۱۳۸۳: ۲۱۴).

۴-۶- اصل برائت یا فرض بی‌گناهی

اصل بر بی‌گناهی هر فرد است مگر اینکه مجرمیت وی مطابق قانون در چهارچوب یک دادرسی منصفانه در مرجع صالح اثبات گردد. این اصل قبل از دوره جدید تحت عنوان قاعده «تدرأ الحدود بالشبهات»^(۱۳) در نظام حقوقی اسلام ریشه دارد (رستمی، آقائی، دیگران، ۱۳۸۸: ۹۷). ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی این اصل را بدین صورت مورد تصریح قرار داده است: «اصل برائت است، بنابراین اگر کسی مدعی حق یا دینی بر دیگری باشد باید آن را اثبات نماید در غیر این صورت با سوگند خوانده حکم برائت صادر خواهد شد».

۴-۷- اصل تناظر

این اصل ایجاب می‌کند که اصحاب دعوا بتوانند تمام آنچه را که در رسیدن به خواسته‌های خود و کشف واقع لازم و مفید می‌دانند، اعم از ادعاها، ادله و استدلالات، به اطلاع قاضی برسانند و درعین حال امکان اطلاع از آنچه رقیب در این خصوص ارائه نموده و نیز

فرصت مورد مناقشه قرار دادن آنها را داشته باشد. این اصل که در نهایت در جهت تأمین برابری اصحاب دعوا است «مراحل عام حقوق» شمرده می‌شود.

۴-۸- منع محاکمه و مجازات

مجدد

قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد از قواعد مهم حقوق کیفری داخلی است. بر اساس این قاعده، کسی را نباید دو بار برای یک جرم محاکمه و مجازات کرد. این قاعده در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر مطرح شده است. قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد در اساسنامه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، اعم از نظامی، موقت و خاص و دائمی نیز پذیرفته شده است. مهم‌ترین ایراد بر اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی دائمی در مقایسه با اساسنامه‌های دادگاه‌های کیفری بین‌المللی موقت این است که این دادگاه در صدور حکم، ملزم به احتساب مجازات اعمال شده دادگاه ملی نیست و این امر به‌منزله نقض قاعده منع مجازات مجدد محسوب می‌شود. ازجمله دلایل توجیه این قاعده، آزادی فردی، حمایت از افراد در برابر سوءاستفاده از قدرت دولت‌ها، حمایت از حقوق بشر، اصل عدالت، اصل تناسب، نظم و آرامش اجتماعی می‌باشند (حبیب زاده، اردبیلی، جانی پور، ۱۳۸۴: ۴۹).

۴-۹- اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها

یکی از اصول اولیه و مسلم حقوق جزایی که شرع مقدس اسلام بر آن تصریح نموده، «اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها» و یا همان «قاعده قبح عقاب بلا بیان» است و این قاعده



«هر شخصی هنگام طرح هرگونه اتهام علیه وی سزاوار بهره‌مندی از تضمین‌های زیر با برابری کامل است... بدون تأخیر ناروا محاکمه شود...». پاراگراف ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و پاراگراف ۱ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر نیز صراحتاً بر این حق تأکید دارند. «امروزه، رسیدگی به دعوی در یک مهلت معقول از حقوق مردم در هر کشوری به شمار می‌آید و هنگامی که به دلایلی دادرسی‌ها به‌طور نامعقولی به درازا می‌کشند، مراجعان به دستگاه دادگستری، امید به احقاق حق و دفع ستم و تجاوز را از دست می‌دهند. این امر چیزی جز نفی عدالت در یک کشور نیست» (کاشانی، ۱۳۸۳: ۲۰۵).

۵- دادرسی منصفانه در قوانین موضوعه

۵-۱- قانون اساسی

تضمینات دادرسی منصفانه در قانون اساسی عبارت است از: (۱) علنی بودن محاکمات (اصل ۱۶۵)؛ (۲) قانونی بودن حکم قضات (اصول ۱۶۶ و ۱۶۷)؛ (۳) قانونی بودن جرم و مجازات (اصل ۱۶۹)؛ (۴) تساوی حقوق همه مردم ایران (اصل ۱۹ و بند ۹ اصل ۳)؛ (۵) برابری همه مردم در مقابل قانون (اصل ۲۰)؛ (۶) حق داشتن وکیل (اصل ۳۵)؛ (۷) اصل برائت (اصل ۳۷)؛ (۸) حمایت از حیثیت و کرامت ذاتی (اصول ۳۹ و ۳۸ و ۹) صلاحیت دادگاه صادرکننده حکم (اصل ۳۶).

۵-۲- قانون مجازات اسلامی

(۱) ممنوعیت سلب آزادی افراد ملت و سلب حقوق مقرر در قانون اساسی (ماده ۵۷۰)؛ (۲) تکلیف استماع شکایت در مرجع ذیصلاح (ماده ۵۷۲)؛

۴-۱۱-۱- تضمین اصل برائت
«اصل برائت را می‌توان میراث مشترک همه ملل مترقی جهان محسوب کرد» (آشوری، ۱۳۷۶: ۱۳۵). تضمینات اصل برائت بر چند دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول «تضمینات اولیه» هستند که نیازمند اقدام دفاعی خاصی نیستند. دسته دوم «تضمینات مربوط به موقعیت ادله» هستند که مستلزم کاربرد مکانیزم دفاعی خاصی بوده و بی‌تفاوتی نسبت به آن احتمال مخدوش شدن فرض برائت را تقویت می‌کند.

۴-۱۱-۲- تضمینات اصل دسترسی به دادگاه

«دادگاه» دارای دو مفهوم تشکیلاتی و مادی است. مفهوم تشکیلاتی آن ناظر به سازمان و تشکیلات شخص حقوقی است و مفهوم مادی آن ناظر بر عملکرد و اهداف آن می‌باشد. اسناد بین‌المللی، عمدتاً دادگاه را از حیث مادی و ذاتی آن مورد شناسایی قرار داده‌اند» (هاشمی، همان: ۳۱). به موجب اصل ۳۴ قانون اساسی و بند ۳ ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، بند ۱ اصل ۱۱ مجموعه اصول حمایت از همه افراد تحت هرگونه بازداشت یا حبس، بند ۵ ماده ۷ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، بند ۳ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و نیز بند ۲ ماده ۵۹ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، هر فرد بازداشت‌شده بایستی فوراً در نزد مقام قضایی یا سایر مقامات دارای صلاحیت به‌موجب قانون حاضر گردد تا به اتهام او رسیدگی گردد.

۴-۱۱-۳- حق محاکمه در زمان معقول

مطابق میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی در پاراگراف سوم ماده ۱۴:

از قواعد مسلم نزد فقیهان و اصولیون به شمار می‌رود و درصدد بیان این معناست که هیچ مجازاتی بدون وجود قانون قابل‌تصور نیست. در نگاهی اجمالی به قوانین مجازات اسلامی ملاحظه می‌شود قانون‌گذار جمهوری اسلامی نیز با الهام از شرع انور اسلام بر اصل «قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها» اصرار مؤکد دارد. این توجه طی اصول ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۳۲، ۳۶، ۳۷، ۱۵۹، ۱۶۶ و ۱۶۹ قانون اساسی و مواد ۲ و ۱۱ قانون مجازات اسلامی مبنای قانونی یافته است.

۴-۱۰- ممنوعیت عطف به‌ماسبق شدن قوانین جزایی

اصل «عطف به‌ماسبق نشدن قوانین جزایی» طی اصل ۱۶۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی و صراحتاً مقرر شده است. به‌موجب این اصل «هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی‌شود» (ولیدی، ۱۳۸۸: ۱۵۰). قاعده عطف به‌ماسبق نشدن قوانین، منحصر به قوانین کیفری نیست، بلکه قانون مدنی هم به آن اشاره دارد. طبق ماده ۴ قانون مدنی: «اثر قانون نسبت به آتیه است و قانون نسبت به ماقبل خود اثر ندارد».

۴-۱۱- تضمینات دادرسی منصفانه

تضمینات دادرسی منصفانه، صرف پیش‌بینی ضمانت اجرا نبوده، مکانیزم پیشگیری از نقض و موارد بسیار دیگری را شامل می‌شود که می‌توان آنها را به‌صورت مشترک در اسناد حقوقی فراملی بسیار مهم؛ مثل میثاق حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر رؤیت کرد.



۳) ممنوعیت شکنجه (ماده ۵۷۸)؛
۴) صدور حکم به موجب قانون و ضمانت اجرا در تأخیر اجرای حکم (ماده ۵۹۷)؛
۵) قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها (ماده ۱۲ و ۱۳) و ۶) عطف به ماسبق نشدن قوانین (ماده ۱۰) نیز از موارد قابل ذکر در قانون مجازات اسلامی در حوزه دادرسی منصفانه است.

۵-۳- قانون آیین دادرسی کیفری

نگاه آیین دادرسی کیفری به دادرسی منصفانه شامل: ۱) استقلال و بی طرفی مرجع قضایی (ماده ۳)؛ ۲) تفهیم اتهام و حق دسترسی به وکیل (ماده ۵)؛ ۳) تعیین وکیل تسخیری در موارد قانونی (ماده ۳۴۸ و ۳۴۷)؛ ۴) منع بازداشت خودسرانه (ماده ۲۳۹) و ۵) تجدیدنظر در احکام (ماده ۴۲۷) می باشد که در این مقاله تعدادی از این مواد قانونی شرح داده شده است.

۵-۴- قانون داور

جواز و نفوذ داور که در حقوق اسلامی تحت عنوان قضاوت تحکیمی مطرح می شود، در درجه اول مستند به آیه شریفه «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا» (النسا/۳۵) است. مفاد آیه مؤید جواز و نفوذ داور در اختلافات خانوادگی است که با الغای خصوصیت می توان آن را به اختلافات مشابه تسری داد. بدین ترتیب دست کم اصل حکمیت مورد تأیید حقوق اسلامی است. علاوه بر آیه فوق، آیات دیگری نیز در قرآن مجید یافت می شود که به نحوی دلالت بر امر به داور یا سازش دارند. ماده ۱۸ قانون آنیسترال^(۱۴) و همچنین ماده ۱۸ قانون

داوری تجاری بین المللی ایران^(۱۵) در خصوص مساوات در رسیدگی داور مقرر می دارند: «رفتار با طرفین باید به نحو مساوی باشد». تحقق مساوات در رسیدگی داور مستلزم استقلال و بی طرفی^(۱۶) داور نسبت به طرفین می باشد؛ بنابراین باید گفت استقلال و بی طرفی، ارکان مساوات در رفتار داور با طرفین می باشند. ماده ۱۲ قانون نمونه آنیسترال و قانون داور تجاری بین المللی ایران بر لزوم رعایت استقلال و بی طرفی داور صراحت دارند. اگرچه در قانون آیین دادرسی مدنی، به لزوم استقلال و بی طرفی داور اشاره نشده است، ولی از مواد ۴۵۶، ۴۶۷، ۴۶۹، ۴۷۱، ۴۷۷، ۴۸۲ و ۴۸۹ این قانون، لزوم استقلال و بی طرفی داور استنباط می شود. از جمله ابزارهای تأمین دادرسی منصفانه، اعطای فرصت دفاع به طرف دادرسی از طریق ابلاغ به موقع و مطمئن مفاد شکایت یا ادعا به اوست. از این رو این اصل با اصل حق دفاع رابطه نزدیکی دارد و درواقع از لوازم قهری تأمین آن است. ماده ۲۳ قانون داور تجاری بین المللی در این زمینه مقرر می دارد: «کلیه لواحق، مدارک یا سایر اطلاعاتی که توسط یکی از طرفین به داور تسلیم شده و همچنین گزارش کارشناسی یا ارزیابی یا مدارکی که ممکن است داور هنگام اتخاذ تصمیم به آنها استناد کند، باید به طرفین ابلاغ شود». ماده سوم قانون مذکور نیز شیوه ابلاغ اوراق و اخطاریه ها را به نحو نسبتاً کاملی پیش بینی و شرایط خاصی برای انجام صحیح و معتبر ابلاغ مقرر نموده است. در حق جرح داور، اگر پس از انتخاب یا تأیید نصب داور، در استقلال و بی طرفی

۵-۵- مصوبات دستگاه قضا

از این موارد می توان به لزوم رسیدگی منصفانه به اتهامات مرتکبان جرایم موضوع ماده ۲ قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵/۲/۲۰ و اجتناب از تلقی جرایم موضوع این قانون به عنوان جرم



یا در صورت حضور متهم در مرجع قضایی یا صدور قرار موقوفی تعقیب یا منع تعقیب از دستور فوق فوراً رفع اثر گردد و دادستان‌ها و رؤسای حوزه‌های قضایی نیز مکلفند بر امور فوق نظارت داشته باشند. همچنین افرادی که ممنوع‌الخروج می‌شوند، باید بتوانند به فوریت و به صورت برخاسته از ممنوعیت خروج خود از کشور یا رفع اثر از آن مطلع شوند. نظارت بر حسن انجام این امر بر عهده دادستان کل کشور است که در صورت احراز تخلف مراتب را به مراجع ذیصلاح اعلام می‌نماید.

مصون از تعرض باشد و تأمین چنین امنیت عادلانه‌ای برای همه بر عهده قوه قضاییه قرار گرفته است. این سند تلاش دارد با ترسیم سیاست‌های کلی مرتبط با تأمین امنیت قضایی شهروندان و با رویکرد تحول نظام قضایی گام بردارد.

۵-۲-بخشنامه شماره

۱۴۰۰/۸/۵ مورخ ۹۰۰۰/۲/۲۳۸۷/۱۰۰۰

در بند اول این بخشنامه مقرر گردیده؛ قرار نظارت قضایی با ذکر زمان حداکثر به مدت ۶ ماه صادر و به متهم ابلاغ شود و در صورت اعتراض فوراً پرونده جهت رسیدگی به مرجع صالح ارسال گردد و

غیر سیاسی و ضرورت ایجاد رویه واحد در رسیدگی به جرم سیاسی اشاره نمود. سند تحول دستگاه قضایی مصوب ۱۳۹۹/۹/۳۰ پیرامون تشکیل دادگاه جرم سیاسی مطابق قانون جرم سیاسی با حضور هیئت منصفه از جمله مصوبات قوه قضاییه در این زمینه است.

۵-۱- سند امنیت قضایی

مصوب ۱۳۹۹/۷/۲۱

در متن این سند اشاره شده است که امنیت قضایی حالتی است که در آن حیثیت، جان، مال و کلیه امور مادی و معنوی اشخاص در حمایت قانون و

برآمد

با عنایت به مطالب بیان‌شده؛ رعایت آیین دادرسی زمینه اجرایی شدن حقوق ماهوی را فراهم می‌کند. بدون رعایت آیین دادرسی فقط با سلسله حقوقی که بر روی کاغذ آمده است، روبرو خواهیم بود و این حقیقت نقش و جایگاه دادرسی را در فراهم نمودن حقوق ماهوی و ارزش آن نشان خواهد داد. «منصفانه بودن دادرسی» اصلی است که باید نسبت به کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی، در کلیه محاکم و در جریان دادرسی در کلیه انواع آن ظهور داشته باشد. در اهمیت حق دادرسی منصفانه در آیین دادرسی و اجرای آن جمله معروفی در حقوق انگلستان است و آن اینکه «آیین دادرسی قلب حقوق است».^(۱۹) از آن رو اجرای درست آن هر آنچه را که در حقوق آمده تضمین می‌نماید. با نگاه به اسناد بین‌المللی دریافتیم؛ در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که مربوط می‌شود به شورای اروپا و دیوان اروپایی حقوق بشر را نیز پدید آورده، مفهوم انصاف مورد تدقیق قرار گرفته است، اما موضوعی که باید مدنظر قرارداد این است که نباید دادرسی منصفانه و انصاف در دادرسی را هم‌معنا پنداشت. دادرسی منصفانه معیارهایی دارد که به بعضی آنها؛ مانند استقلال و بی‌طرفی اشاره شده است، اما انصاف در دادرسی معادل دادرسی منصفانه نیست؛ بلکه انصاف در دادرسی خود یکی از مؤلفه‌های دادرسی منصفانه است. رعایت انصاف در دادرسی به تنهایی، برای اینکه دادرسی منصفانه صورت پذیرد، کافی نیست، باید سایر مؤلفه‌ها؛ مانند دادگاه مستقل و بی‌طرف و رعایت حقوق اصحاب دعوا و ... نیز وجود داشته باشد. دیوان اروپایی حقوق بشر و پیش از آن کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^(۲۰) از انصاف تعریفی ارائه داده‌اند که شاید پاسخگوی این بحث باشد. «انصاف در دادرسی ایجاب می‌کند که هیچ‌یک از طرفین دعوا همواره نسبت به طرف دیگر در وضعیت نامتناسب‌تر یا نامساعدتر قرار نگیرد». ماده ۱۲ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران به وجود این اوصاف در داوران تأکید کرده و مقرر می‌دارد: «داور در صورتی قابل جرح است که اوضاع و احوال موجود باعث تردیدهای موجهی در خصوص بی‌طرفی و استقلال او شود». ماده ۱۱ همان قانون مقام ناصب^(۲۱) را مکلف نموده است که کلیه شرایطی را که طرفین در مواد موافقت‌نامه تعیین داور مقرر داشته‌اند؛ رعایت نموده. در هر صورت سر داور باید از اتباع کشور ثالث^(۲۲) انتخاب گردد.

پی‌نوشت‌ها

- ۴- اردبیلی، محمدعلی، نگهداری تحت نظر (مجموعه مقالات جنایی)، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۳
۵. آقای، سید داود، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۰
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۶
- ۷- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۰
- ۸- رستمی، ولی و مسلم، آقای طوق و حسن، لطفی، دادرسی عادلانه در مراجع اختصاصی اداری ایران، تهران، گرایش، ۱۳۸۸
- ۹- فضائی، مصطفی، دادرسی عادلانه در محاکمات کیفری بین‌المللی، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ ۲، ۱۳۸۰
- ۱۰- قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، جلد ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵
- ۱۱- لنگرودی، محمدجعفر، دائرةالمعارف علوم اسلامی، جلد ۲، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۶۰
- ۱۲- مصباح یزدی، محمدتقی، نگاهی گذرا به حقوق بشر از دیدگاه اسلام، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸
- ۱۳- مصباح یزدی، محمدتقی، نگاهی گذرا به حقوق بشر از دیدگاه اسلام، مؤسسات آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۸
- ۱۴- ولیدی، محمد صالح، بایسته‌های حقوق جزای عمومی ۱-۲-۳، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۸
- ۱۵- هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی، انتشارات میزان، ۱۳۸۴
- ۱۶- هداوند، مهدی، آقای طوق، مسلم، دادگاه‌های اختصاصی اداری در پرتو اصول آیین‌های دادرسی منصفانه (حقوق ایران و مطالعات تطبیقی)، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۹
- ۱۷- اردبیلی، محمدعلی، شکنجه، شماره نهم، نشریه تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق شهید بهشتی، ۱۳۷۰
- ۱۸- بابایی، محمدعلی، افراسیابی، علی، حق برخورداری متهم از وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی، شماره سیزدهم، فصلنامه آموزه‌های حقوقی (دانشگاه علوم اسلامی رضوی)، بهار ۱۳۸۹
- ۱۹- بیگلری، پویان؛ رحیم‌پور، زهرا؛ غلامی، فرشته، بررسی حق آزادی و امنیت شخصی در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، همایش ملی قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ در بوته نقد، مراغه، انجمن حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه، ۱۳۹۴
- ۲۰- بهمنی قاجار، محمدعلی، مبانی سیر تحول حق آزادی و امنیت شخصی، شماره ۲۵۱ و ۲۵۲، نشریه علوم سیاسی، مرداد و شهریور ۱۳۸۷
- ۲۱- صابر، محمود، معیارها و تضمین‌های دادرسی عادلانه در مرحله تحقیقات مقدماتی، دوره ۱۳، شماره ۴، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، مجله مدرس علوم انسانی، زمستان ۱۳۸۸
- ۲۲- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، نگرشی بر مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، سال ششم، شماره ۱۳، مجله پژوهش حقوق و سیاست، پاییز زمستان ۱۳۸۳
- ۲۳- ضیائی‌فر، محمدحسین، حق برخورداری از وکیل یا مشاور حقوقی در مرحله تحقیقات مقدماتی با تأکید بر رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، شماره هشتم، سال چهارم، نشریه حقوق اساسی، تابستان ۱۳۸۶
- ۲۴- کاشانی، محمود، بررسی حقوقی لایحه شورای حل اختلاف و نهاد قاضی تحکیم، نشریه کانون و کلا
- ۲۵- ملکی، علی، تعاملات حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در اسلام سپری در برابر حربه اتهام غرب، شماره ۴۰ و ۴۱، مجله دیدگاه‌های حقوق قضایی، زمستان ۸۵ و بهار ۸۶
- ۲۶- قانون اساسی
- ۲۷- قانون مجازات اسلامی
- ۲۸- قانون آیین دادرسی کیفری
- ۲۹- قانون داور تجاری بین‌المللی
- ۱- «ذوالقرنین» شخصیتی است که قرآن کریم در آیات ۸۳ تا ۹۷ سوره کهف به او پرداخته است. داستان ذوالقرنین آنچنان که از این آیات برمی‌آید، این است که او پادشاهی جهانگشا، قوی، صالح و شجاع بوده است و با دو لشکر کشی که به شرق و غرب عالم داشته، مناطق وسیعی را به تصرف خویش درآورده و به عدالت بر آن حکمرانی نموده است. در مورد اینکه ذوالقرنین چه کسی بوده است، اختلاف نظر وجود دارد. اسکندر مقدونی، کوروش کبیر و یکی از پادشاهان حمیر در یمن، سه نظری هستند که طرفداران بیشتری دارند.
- 2- Magna carta (1215)
- 3- 1427
- 4- Assuming culpability
- 5- Lawyer
- 6- Criminology
- 7- Official Announcement
- 8- Independence
- 9- Right to Equality before the Court
- ۱۰- دیالکتیک در لغت به معنای گفت‌وگو و مکالمه است اما در مفهوم چیز دیگری است. دیالکتیک به معنای در حرکت بودن و تغییرات مداوم است و آن چیزی است که در برابر متافیزیک که تفکری ساکن و بی‌تحرك است قرار می‌گیرد.
- 11- Transparence
- 12- The Right to Silence
- ۱۳- قاعده «الحدود تدرأ بالشبهات» یکی از قواعد باب حدود می‌باشد که از اهمیت ویژه‌ای در فقه و حقوق جزا برخوردار بوده و فقها در موارد متعددی بدان استناد کرده‌اند.
- 14- Model Law on International Commercial Arbitration 1985
- ۱۵- قانون داور تجاری بین‌المللی در سال ۱۳۷۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی ایران رسید.
- ۱۶- در سال ۱۹۷۴ در آمریکا انجمن بین‌المللی وکلا تأسیس شد که یک نهاد پیش رو در توسعه و اصلاح مقررات بین‌المللی است که حدود ۵۰ هزار وکیل عضو آن هستند. این نهاد در خصوص استقلال و بی‌طرفی داور راهکارهایی با عنوان «رهنمودهای راجع به تعارض منافع در داور بین‌المللی» ارائه کرده است که راهنمای بسیار مفیدی در تشخیص استقلال و بی‌طرفی در داور تجاری بین‌المللی است.
- ۱۷- مراجعه به هر دادگاهی برای اعتراض به رأی داور صرفاً به صورت درخواست ابطال آن مطابق بندهای ۲ و ۳ این ماده ممکن است.
- ۱۸- به درخواست طرفی که علیه او (به رأی) استناد شده، مشروط بر اینکه طرف مذکور به دادگاه صلاحیت‌داری که درخواست شناسایی یا اجرا از او به عمل آمده، ادله‌ای ارائه کند.
- 19- Heart Procedure Law
- ۲۰- کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که نام دیگر کنوانسیون صیانت از حقوق و آزادی‌های بنیادین است، دارای ۵۹ ماده است که مواد ۲ تا ۱۸ آن به ذکر حقوق بنیادین، مواد ۱۹ تا ۵۱ به ساختار و صلاحیت دیوان اروپایی حقوق بشر و ماده ۵۲ تا ۵۹ به سایر مقررات می‌پردازد. اهم این حقوق عبارت‌اند از: حق حیات، منع شکنجه، منع محاکمه و تعقیب مجدد، منع اعمال مجازات‌ها یا رفتارهای غیرانسانی و یا خوار کننده، حق شهروندان به امنیت، آزادی و برخورداری از یک دادرسی منصفانه، چه در امور حقوقی و چه در اتهامات کیفری.
- ۲۱- طرفین در قرارداد داور می‌توانند توافق نمایند که مقام ناصب «اعم از شخص حقیقی یا حقوقی» به جای آنان در تعیین داور یا سرداور اقدام کند، دبیر کل دیوان مقام ناصب را مشخص کرده و مقام ناصب، داور را تعیین می‌کند.
- 22- Third country

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- آشوری، محمد، مجموعه مقالات عدالت کیفری، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۶
- ۳- آشوری، محمد و دیگران، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳